

## پیامبر اعظم (ص) و تفسیر قرآن

دکتر محسن قاسم پور  
استادیار دانشگاه کاشان

### چکیده

پیامبر اسلام اولین مفسر قرآن است. در آیات قرآن کریم بر ضرورت و تبیین آیات الهی توسط پیامبر تصریح شده است. ساختار برخی آیات قرآن بویژه در بخش مربوط به احکام دینی، که کلی و مجمل، مطلق و عام است، این ضرورت را خاطر نشان کرده است. پیامبر (ص) با توجه به این ضرورت در دو سطح عام و خاص، آیات را تفسیر کرده است. در بخش خاص، امام علی (ع) به عنوان شاگرد و صحابی ویژه، تمام معانی قرآن را از ایشان فرا گرفت. تفسیر پیامبر به شرط احراز آن بر مبنای معیارهای دقیق حدیث‌شناسی، حجیت دارد. در این مقاله، ضمن واکاوی نظریات گونه‌گون و با استناد به منابع مختلف به موارد یاد شده پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** پیامبر اسلام (ص)، شأن تفسیری پیامبر اسلام، تفسیر قرآن، اصحاب پیامبر

## ۱- مقدمه

مسلمانان از آغاز اسلام به فهم معانی قرآن اهتمام ویژه ای داشته و در طی چهارده قرن، مطالعات عمیق و گسترده ای را پیرامون محور آخرین کتاب آسمانی به عمل آورده‌اند. این پژوهشها در مراحل اولیه از نوعی سادگی برخوردار بوده و اندک اندک، فرایند تکامل خود را طی کرده است. از این روست که در حوزه تفسیر قرآن، نگارشهای تفسیری را شرح واژگان قرآن تشکیل می‌دهد. بعدها این قبیل تفسیرها با عنوان «غریب القرآن» مطرح شد که یک نمونه آن، غریب القرآن ابن عباس یا «اسئله» نافع بن ازرق است. تفسیر قرآن در آغاز و حداقل تا نیمه های دوم دوره تابعان در قالب تفسیر مأثور بود. صحابیان و در پی آن، تابعان آنچه که به ترتیب از پیامبر و صحابیان در تفسیر قرآن شنیده بودند، صرفاً نقل می‌کردند. اما پس از آشنایی مسلمانان با دیگر فرهنگها و در پی نهضت ترجمه از اجتهاد و عقل در کنار نقل نیز در حوزه تفسیر قرآن بهره برداری به عمل آمد. دوره صحابیان را می‌توان اوج تفسیر اثری دانست. این مسئله به نوعی به تفسیر پیامبر (ص) مربوط می‌شود که این مقاله چند و چون آن را بررسی می‌کند.

## ۲- ضرورت تفسیر پیامبر (ص)

یکی از نکات مهم در موضوع تفسیر پیامبر (ص) پرداختن به این مسئله است که چرا پیامبر باید قرآن را تفسیر کند؛ چه شواهد و قرآنی از این ضرورت حکایت می‌کند؟ اساساً تفسیر پیامبر به چه زمینه‌هایی معطوف بوده است؟ کوشش می‌شود این پرسشها از زوایای گونه‌گون مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

## ۱-۲- ضرورت تفسیر از دیدگاه قرآن

برخی آیات قرآن، ضرورت، آموزش و تبیین معانی و مفاهیم آن را توسط پیامبر مورد تأکید قرار داده است. واضح است آموزش کتاب صرفاً یاددادن قرائت آن نیست و تعلیم معانی و مفاد و مفاهیم آیات کریم را نیز دربر می‌گیرد. این نکته در بیان ابن خلدون، مورخ و متفکر قرن هشتم، هم آمده است. او تصویری از درک قرآنی مردمان صدر اسلام به دست می‌دهد که بر اساس آن، تازیان عصر پیامبر، معانی قرآن را در قالب تک واژه‌ها و جملات درک می‌کردند اما در جایی دیگر تصریح کرده پیامبر، مطالب مجمل و دشوار قرآن را تفسیر می‌کرده است (حجتی، ۱۳۶۰: ۲۰). اکنون برخی از این آیات مرور می‌شود:

۱- و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون (نحل/ ۴۴)

اگر در این آیه، «ذکر» به معنای قرآن باشد و «لام» در «لتبین»، لام «تعلیل»، آن گاه می‌توان نتیجه گرفت که تبیین معانی و مقاصد قرآن، علت نزول قرآن است. به گفته میدی «ما قرآن را فرستادیم تا معانی و مقاصدش را برای مردم بازگویی» (میدی، ۱۳۶۱: ۳۸۹).

این تبیین معانی شامل همه گونه آیات الهی می‌شده است نه آن گونه که برخی مفسران آن را صرفاً در محدوده آیات مجمل و یا متشابهات تلقی کرده اند (آلوسی، ۱۴۰۵: ۱۵۰). علامه طباطبایی بر این نکته تأکید ورزیده و برداشت این مفسران را صحیح ندانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲: ۲۶۱).

۲- لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (آل عمران/ ۱۶۴).

۳- هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (جمعه/ ۲).

براساس این دو آیه، پیامبر(ص) سه شأن مهم را داراست: تلاوت آیات بر امت، تزکیه آنان و آموزش کتاب و حکمت. محور آیه سوره نحل را «تبيين آیات الهی» تشکیل می‌داد و در این دو آیه، «تعلیم» کتاب و حکمت. با دقت در این دو آیه می‌توان گفت مراد از کتاب، قطعاً «قرآن» است و بسیاری نیز بر این باورند که مراد از حکمت «سنت» است (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ۳۹) و (قاسمی، بی‌تا، ج ۴: ۲۸۴) و (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۳۰). برخی دیگر تعلیم حکمت را نیز در حوزه قرآن دانسته و چنین گفته‌اند: تعلیم کتاب بیان الفاظ و پرده برگیری از محکمت آن است در مقابل تعلیم حکمت که معارف حقیقی قرآن است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ۲۶۵).

۴- و ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا (حشر/۷).

این آیه بر لزوم تمسک به اوامر نبوی و پرهیز از نواهی ایشان تصریح دارد. گرچه اوامر و نواهی پیامبر بیشتر در حوزه احکام شرعی است مانعی هم نیست که ما از اطلاق این آیه رجوع به تبیین پیامبر در همه حوزه‌های دینی اعم از احکام، عقاید و اخلاق را نتیجه بگیریم؛ به بیان دیگر، اطلاق آیه بر این دلالت دارد که هر تفسیر که از آن حضرت از طریق معتبر به ما برسد، اعتبارش قطعی و غیر قابل نقد است. پیداست که لزوم مراجعه، فرع بر ضرورت تفسیر پیامبر(ص) است که این در مقام بحث از آن است.

۲-۲- ضرورت تفسیر با توجه به ساختار خاص برخی آیات قرآن

مسلمانان عصر نزول از فهم تفصیلی بسیاری از آیات قرآن ناتوان بودند. آنان در موارد زیادی برای فهم قرآن باید به پیامبر(ص) مراجعه می‌کردند. به تعبیر یکی از محققان «قرآن کریم»، محتوای آیات الهی به طور طبیعی سؤال‌انگیز بود و اشاره‌ها و ایماها، محکمها، متشابه‌ها و مجملها زمینه را برای پرسش و پاسخ آماده می‌ساخت

(مهدوی‌راد، ۱۳۸۲: ۲۹). در قرآن آیاتی چون: اقیموا الصلوة (انعام/ ۵۵، بقره/ ۴۳) آمده است. آنان آیه «ان الصلوة کانت علی المومنین کتابا موقوتاً» (نساء/ ۱۰۳) را می‌شنیدند، اما چگونگی انجام دادن آن یا تعداد و رکعات آن را نمی‌دانستند. ناگزیر برای عمل به این فریضه الهی به پیامبر مراجعه می‌کردند و او در مقام بیان مقاصد قرآن می‌فرمود: «صلوا کما رایتونی اصلی» (صحیح بخاری، ج ۱: ۱۶۲، قرطبی، ج ۱: ۳۹). هم چنین است در مورد حج که در قرآن آمده است: و لله علی الناس حج البيت (آل عمران/ ۹۷) چگونه مسلمانان با توجه به آمیختگی مراسم حج قبل از اسلام با آیین‌های جاهلی و شرک آلوده می‌توانستند مقصود قرآن را از حج ابراهیمی و موحدانه دریابند؟ در این حال بود که نزد رسول گرامی اسلام می‌شافتند و ایشان نیز با جمله «خذوا منی مناسککم» به آنها به منظور اجرای مراسم صحیح حج رهنمود می‌داد (مسند احمد بن حنبل، ج ۳: ۳۱۸).

امام صادق(ع) در پاسخ پرسشی به ابوبصیر، همین مسئله را یاد آور شده و گفته‌اند: «در قرآن، دستور نماز بر رسول خدا(ص) نازل شده ولی خداوند، سه یا چهار رکعت بودن آن را در قرآن بیان نکرده است. به همین منظور، رسول خدا آن را برای مردم تفسیر کرد. دستور زکات بر آن حضرت در قرآن نازل شده ولی در قرآن بیان نشده که از هر چهل درهم، یک درهم زکات است و رسول خدا این نکته را برای آنان تفسیر کرد. آیات حج نازل شد ولی در قرآن نیامده است که هفت دور طواف کنید تا اینکه رسول خدا(ص) آن را برای آنان تفسیر کرد» و ... (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۴۶).

بدین سان پیامبر به عنوان اولین مفسر قرآن، آن گونه که بیشتر محققان علوم قرآن و مفسران بر این باورند (حجتی، ۱۳۶۰: ۲۰)، احکام مجمل و مبهم را تبیین کرده و تفصیل داده و با بیان و عمل خویش از چهره مجمل کلام الهی پرده بر گرفته است.

## ۳- شناخت صحابه از جایگاه تفسیری پیامبر (ص)

بیشتر صحابیان بر منزلت والای تفسیری پیامبر الهی تا حدی آگاه بودند؛ لذا به منظور فهم قرآن و دریافت حقایق آن به فیض درک محضر آن حضرت نائل می شدند. البته برخی کوتاه اندیشی یا کج فهمی ها در مقام اخذ و ضبط گفته های پیامبر (ص) در حوزه تفسیر قرآن باعث می شد فرصت بی بدیل همنشینی با پیامبر را در نیابند و یا شرم کنند که از ایشان سؤال کنند (نفیسی، ۱۳۸۴: ۳) و به گفته امام علی (ع) مترصد فرصتی بودند که اعرابی از راه برسد و پرسش خود را با پیامبر در میان گذارد و آنها جواب خود را از جسارت پرسش این قبیل افراد از پیامبر دریابند (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۷۵).

گفته سهل بن حنیف، صحابی پیامبر، شاهدی بر این مدعاست. او آن گونه که حاکم نیشابوری گزارش کرده در این مورد چنین اظهار داشته است: «خداوند با عربهای بادیه نشین و پرسشهای ایشان به ما بهره رسانده است. روزی عربی بدوی به پیامبر گفت: خداوند در قرآن از درختی در بهشت سخن گفته که آزار رساننده است. پیامبر از او می پرسد آن، چه درختی است. او می گوید: درخت سدر (که دارای خار است). پیامبر گفته او را اصلاح می کند و می گوید: خداوند، خار این درخت را از بین می برد و به جای آن میوه قرار می دهد» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۷۶). اما از سوی دیگر بودند صحابیانی که با علم به این جایگاه و مرتبت والا، هیچ گاه خود را از بهره گیری و فیض جویی از محضر پیامبر محروم نمی کردند.

عبدالله بن مسعود در جایی گفته است من هفتاد و اندی سوره از پیامبر (ص) فرا گرفتم (رامیار، ۱۳۸۰: ۳۵۴). می توان گفت این فراگیری به فهم معانی و مقاصد آیات الهی ناظر است. در جایی دیگر از اوست که من تا معنای ده آیه را فرا نمی گرفتم به سراغ ده آیه دیگر نمی رفتم (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱: ۸۵). با توجه به قرائن و شواهد

زندگی ابن مسعود، که وی خدمتگزار رسول خدا بود (عبدالبر، ۱۳۱۹، ج ۳: ۹۸۷) و دربان خانه وی و در سفر، فراش و آب وضوی پیامبر را فراهم می ساخت (رامیار، ۱۳۸۰: ۳۵۴)، باید گفت این فراگیری و فهم معانی قرآن را از پیامبر (ص) داشته است. در میان صحابه پیامبر (ص)، علی (ع) وضعیت خاص و منحصر به فردی داشت. او همه معانی قرآن را از پیامبر فرا گرفت. براساس روایتی، علی (ع) از کودکی در دامان پیامبر رشد کرد و توان و علاقه بسیار زیادی به فراگیری علوم و معارف قرآنی و حیاتی از خود نشان داد و پیامبر نیز با توجه به این آمادگی بر این تربیت، همت گماشت و او را بر معرفت همه معانی قرآن آگاه ساخت.

## ۴- پیامبر (ص) و محدوده کمی تفسیر او

از دیرباز در میان محققان و تاریخ نگاران تفسیر قرآن این پرسش مطرح بوده است که پیامبر (ص) چه مقدار از قرآن کریم را تفسیر کرد. با بررسی و جمع بندی این نظریات می توان به سه دیدگاه اشاره کرد: نظر اول: تفسیر همه قرآن، این تیمیه با توجه به آیات و روایاتی به این نظر رسیده است (ابن تیمیه: ۵-۶). نظر دوم: تفسیر اندکی از قرآن، سیوطی نیز با توجه به نظر خویش و برخی عالمان دیگر، این نظر را برگزیده است (سیوطی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۱۹۷). رأی سوم: دیدگاهی که بر اساس آن، پیامبر بسیاری از معانی قرآن را بیان کرده است نه همه آن را. ذهی با استناد به روایتی از ابن عباس به نظر سوم گرایش پیدا کرده و گفته است: رسول خدا قسمتی را که فهم آن به شناخت کلام عرب برمی گردد، تفسیر نکرده زیرا قرآن به زبان آنان نازل شده و بخشی که فهمها به شناخت آن متبادر است نیز مورد تفسیر پیامبر واقع نشده است. هیچ کس در ندانستن این بخش معذور نیست. بخش دیگری که پیامبر، تفسیر آن را بیان نکرده است به مواردی باز می گردد که خدا آگاهی از آن را به خود

کتاب خدا را حلال بدانید و حرامش را حرام. اما بدانید آنچه را پیامبر حرام می کند، همانند آن است که خداوند حرام کرده است (مسند احمد بن حنبل، ج ۴: ۱۳۱).

این حدیث، که به حدیث اریکه نیز شهرت یافته (حسینی جلالی، ۱۴۱۸: ۳۵۳) بیانگر این است که سنت، همسان قرآن و در کنار آن است. دیگر اینکه سنت، مفسر و مبین کتاب الهی است. بدین سان می توان گفت سخن پیامبر در تفسیر کلام الهی نیز به نوعی، وحیانی است و موید از وحی. این مانند قرآن (یعنی سنت که خدا دادی است) در واقع همان دریافته‌ها و تبیین‌های پیامبر است. به تعبیر شافعی همان است که پیامبر بدان امر کرده و از ناحیه همین دریافته‌ها و تفسیرهای قرآنی اوست (سیوطی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۷۴).

شهید محمد باقر صدر نیز از جمله متفکرانی است که در جلسات تفسیر خود نسبت به این موضوع (محدوده تفسیر پیامبر) اظهار نظر کرده است. به عقیده ایشان تناقض آشکاری که در بین دو دیدگاه مطرح در خصوص مقدار تفسیر پیامبر وجود دارد با ارائه راه حلی مناسب و یا تبیین استواری قابل رفع است. به نظر برخی پژوهشگران این توجیه، دقیق و واقع گرایانه است (مهدوی راد، ۱۳۸۲: ۳۳). شهید صدر گفته است: پیامبر، قرآن را در دو سطح تفسیر کرده است: تفسیری در سطح خواص و تفسیری در سطح عموم و براساس نیازهای جامعه آن روز که این نوع تفسیر، فراگیر نبود (حکیم، ۱۴۰۳: ۹۸). بیان شهید صدر در مورد تفسیر همه قرآن در سطح خواص چنین است:

«پیامبر (ص) قرآن را به طور کامل در سطح خواص تفسیر کرده‌اند. قصد ایشان (تربیت) افرادی بود که بتوانند حامل میراث قرآن شوند و آن گونه بطور کامل با قرآن در هم آمیزند که به درجه مرجعیت علمی برای امت نائل گردند». او آن گاه رسالت این قبیل مفسران را در حفظ اصالت این تفسیر در تعامل با امت اسلام

اختصاص داده؛ مانند بر پایی قیامت و حقیقت روح و امور غیبی که خدا پیامبر را حتی از آن آگاه نکرده است (ذهبی، ج ۱: ۵۳).

نقد و بررسی دیدگاه سوم

برخی از جمله مرحوم آیت الله معرفت بر این دیدگاه اشکال وارد کرده و گفته اند: رأی صحیح این است که پیامبر، همه معانی و مقاصد قرآن کریم را برای امت و اصحابش با نص و یا با تبیین اصول و فروع شریعت بیان کرده است بویژه اگر روایات ائمه را در تبیین شریعت و معانی قرآن به آن ضمیمه کنیم (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۷۴-۱۷۹). برخی دیگر، آن بخش از حدیث را که بر اساس آن، خداوند تفسیر اموری مانند وقت قیامت را به احدی حتی پیامبر نگفته است، اظهار داشته اند: اموری مانند زمان بر پا شدن قیامت و یا حقیقت روح از معانی و معارف قرآن نیست تا ندانستن و یا تفسیر نکردن آن، دلیل تفسیر نکردن همه معانی قرآن توسط پیامبر باشد (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۸).

براساس حدیثی که پیامبر، سنت خود را همسان قرآن تلقی کرده است، می توان گفت سنت پیامبر (شامل قول و فعل و تقریر او) می تواند در تفسیر قرآن به کار آید. توجه به این روایت، ما را به این نتیجه رهنمون می سازد که تفسیر پیامبر، بسیار بیش از آن اندکی است که نظر افرادی چون ابوالعباس احمد بن خلیل خویی (متوفی ۳۷۴) بر آن بوده است (سیوطی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۸۱). روایت چنین است:

«الانی اوتیت القرآن و مثله معی الا یوشک رجل شعبان علی اریکه یقول علیکم بهذا القرآن فما وجدتم فیہ من حلال فاحلوه و ما وجدتم فیہ حرام فحرموه الا و ان ما حرم رسول الله مثل ما حرم الله».

آگاه باشید خداوند به من، قرآن و مانند آن را عطا فرموده است. بدانید مردی سیر، که بر قدرت تکیه کرده است، بزودی خواهد گفت: بر شما باد قرآن، حلال

حاضر نشان کرده و چنین افزوده اند:

«تفسیر آنان و حتی خود این مفسران تضمینی کافی است برای اینکه امت اسلامی در مسیر فهم قرآن تحت تأثیر چارچوبهای فکری بخصوص و ذهنیتهای پیشین و سوابق جاهلیت قرار نگیرند». به باور مرحوم صدر، تفسیر قرآن در سطح عموم با واقع منقول صحابه از پیامبر نیز هماهنگ است. او گفته است:

«اندک بودن احادیث صحیح نبوی، که صحابه از آن حضرت در تفسیر قرآن نقل کرده‌اند به این دلیل است که در سطح عمومی، زمینه تفسیر عام و گسترده، فراهم نبوده است. لذا تفسیر قرآن در سطح خواص، مسئولیت ابلاغ پیام حق و تفسیر دقیق و شامل قرآن و صیانت ایشان از انحراف در تفسیر کتاب الهی را تضمین کرده است.

#### ۵- درنگی در تفسیر پیامبر برای خواص

آیا دلیلی وجود دارد که گفته شهید صدر را، که پیامبر در سطح خواص، تمام قرآن را تفسیر کرده است، مورد تأیید قرار دهد؟

در سخنان پیامبر (ص) مواردی وجود دارد که ایشان مرجعیت علمی و فکری اهل بیت را مورد تأیید قرار داده‌اند؛ احادیثی مانند حدیث نقلین (ترمذی، ج ۲: ۳۰۸) یا حدیث سفینه (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲: ۳۴۲) یا حدیث همراهی علی و قرآن (علی مع القرآن و القرآن مع علی) (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۲۴) و یا اخباری که بر اساس آن، پیامبر، قرآن، تاویل و تفسیر آن، محکم و متشابه آن را به علی (ع) عرضه کرده است (حسکائی، ۱۹۹۰، ج ۱: ۴۱)، همگی نشاندهنده تفسیر تمام قرآن توسط پیامبر برای خواصی چون علی (ع) است. در اصول کافی روایتی آمده که براساس آن، علی (ع) در مقام پاسخ به پرسش یک راوی که از او سؤال کرده در

دست سلمان، ابوذر و مقداد تفسیرهایی از قرآن است که در اختیار دیگران نیست؛ چرا چنین است؟ امام علی (ع) در پاسخ به تفاوت فهم صحابیان یا یکسان نبودن اندیشه آنها اشاره می‌کند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۲). آن گاه در ادامه، جملاتی را به تفصیل بیان می‌فرماید که دلیلی است بر ادعای وجود صحابیان که پیامبر، همه قرآن را برای آنها تفسیر کرده‌اند. ادامه پاسخ امام (ع) چنین است:

«بعضی از صحابیان، هیچ گاه از رسول خدا سؤال نمی‌کردند و فهم چیزی را طلب نمی‌کردند؛ حتی چنین بودند که دوست داشتند یک اعرابی و رهگذر بیاید و از رسول خدا چیزی را سؤال کند و آنان گوش دهند. اما من هر روز یک بار و هر شب یک بار بر رسول خدا وارد می‌شدم. آن حضرت با من خلوت می‌فرمود و من در هر حال که او بود با او بودم. و اصحاب رسول خدا نیز می‌دانستند که آن حضرت چنین رفتاری را با احدی جز من ندارد... هر گاه من از آن حضرت سؤال می‌کردم، پاسخ مرا می‌فرمود و هر گاه من ساکت می‌شدم و سؤالات من پایان می‌یافت، خود آن حضرت سخن با من آغاز می‌فرمود. هیچ آیه ای از قرآن بر رسول خدا نازل نشد مگر اینکه آن را برای من قرائت و به من املا فرمود و من آن را به خط خود نگاشتم و آن حضرت تاویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه آن و خاص و عام آن را به من تعلیم فرمود و خداوند را خواند که فهم و حفظ آن آیه را به من عطا فرماید...»

این حدیث شریف، بیانگر نکات ذیل است:

امام علی (ع) تفسیر همه آیات قرآن را از پیامبر فرا گرفته است.

پیامبر (ص)، علم همه معانی قرآن را به علی (ع) آموخته است.

پیامبر (ص) در حق علی دعا فرمود. او پس از آن، هیچ گاه فهم و حفظ قرآن را

فراموش نکرد (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۲).

## ۱- گونه های تفسیر پیامبر

پس از آشکار شدن نقش سنت در کنار قرآن و همسانی آن، همان گونه که گفته بود پیامبر اعظم (ص) بود و نیز عبارتی که از امام صادق (ع) در چگونگی تفسیر پیامبر حکایت شد، اکنون به برخی از نمونه های تفسیری پیامبر پرداخته می شود. شایان ذکر است پژوهشگران، این گونه های تفسیری را در قالب تبیین مجملها، تخصیص عامها، تقييد اطلاقها، توضیح مفاهیم شرعی و تفصیل احکام، بیان ناسخ و منسوخهای قرآن بیان کرده اند. (برای تفصیل بیشتر، بنگرید به: ذهبی، ج اول: ۱۸۲-۱۸۸ و ذهبی، ج اول: ۵۵-۵۷ و مهدوی راد، ۱۳۸۲: ۳۶-۴۱ و...).

## ۱-۶- تبیین مجمل

یکی از گونه های تفسیری، تبیین آیات مجمل قرآنی است. کاربرد این بحث بیشتر در مباحث فقه است. همان گونه که یادآوری شد در قرآن، بیشتر احکام شرعی به صورت کلی آمده است و هیچ تفصیل و تبیینی در مورد شرایط و احکام آنها وجود ندارد. چنین وضعیتی، تفسیر پیامبر را در قالب بیانات، افعال و یا تقریر ضروری می سازد. نمونه آشکار آن، آیات مربوط به نماز است. در قرآن آمده است:

«اقیموا الصلوة و اتوا الزکاة» (بقره/۴۳) یا عبارت قرآنی «و الله علی الناس حجّ البیت» (آل عمران/۹۷) ما باید نسبت به تعداد رکعات نماز، اذکرها و یا چگونگی انجام دادن آن و تمام شرایط و احکام مربوط بدان آگاهی داشته باشیم تا بتوانیم امر الهی را در مقام عمل محقق سازیم. اینجاست که نقش گفته پیامبر (ص) «صلوا کما رایتُمونی اصلی» در تفسیر چنین آیاتی کاربرد می یابد. درباره آیه «ان الصلوة کانت علی المومنین کتابا موقوتا» (نساء/۱۰۳) - که بیانگر به پا داشتن نماز در زمانهای معینی است - در پاسخ به این پرسش، که این زمان کی و چگونه است، آیه از تفصیل آن ساکت است. همچنین است آیه «واقم الصلوة طرفی النهار و زلّفا من اللیل ان

الحسنات یذهبن السیئات ذلک ذکری للذاکرین» (هود/۱۱۴) علامه طباطبایی در این زمینه چنین گفته است:

از آنجا که موضوع بحث، فقهی است، باید به بیان پیامبر و اهل بیت مراجعه کرد. در تفسیر آیه نیز باید به مضامین روایات توجه، و از آنها پیروی نمود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۱: ۵۸). هم چنین در زمینه تشریح زکات و حج نیز، که کلی است برای تفصیل آن باید به سنت مراجعه کرد (کاظمی، بی تا، ج ۲: ۲-۲).

## ۲-۶- تخصیص عام و تقييد مطلق

در قرآن احکامی وجود دارد که تخصیص آنها در سنت بیان شده است. در جواز تخصیص قرآن به اخبار متواتر و نیز به اخباری که به حد تواتر نرسیده است ولی قرائن قطعی، آنها را تأیید می کند کمترین تردیدی وجود ندارد. قاعده ای مشهور در این زمینه وجود دارد که «ما من عام الاوقد خص» (هیچ عامی نیست مگر اینکه تخصیص خورده باشد). فقیهان در برخی موارد، عمومات احکام قرآن را با روایتهایی از سنت نبوی تخصیص زده اند (فاضل مقداد، ج ۲: ۳۴۱ و کاظمی، ج ۹: ۲۱۴).

نمونه دیگر از تفسیر پیامبر را می توان ذیل آیه شریفه «والمطلقات یتربصن بانفسهن ثلاثة قروء». که طبرسی در مجمع البیان از آن حکایت کرده است به دست آورد (طبرسی، ج ۱-۲: ۵۷۳).

در تفسیر آیه شریفه «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون» (انعام/۸۲) از پیامبر روایتی رسیده است که مراد از ظلم در این آیه مطلق نیست بلکه ایشان آن را شرک تفسیر کرده اند. تفسیر طبری در ذیل آیه بخوبی بیانگر تفسیر پیامبر در موضوع تقييد مطلق قرآن است. این مفسر گفته است: چون این آیه نازل شد، برخی صحابیان، که فهم معنای آن آیه بر ایشان دشوار آمده بود به محضر پیامبر شتافتند و گفتند هیچ کدام از ما نمی تواند بگوئیم ایمان خویش را به

للم نیالوده است. پیامبر فرمود معنای آیه آن طور که شما می‌گویید نیست. مراد از ظلم در این آیه شرک است. و آن گاه سخن لقمان را که «ان الشکر لظلم عظیم» (لقمان/۱۳) به عنوان شاهد آورد (طبرسی، ج ۷: ۲۵۶). از این شیوه تفسیری پیامبر (ص)، می‌توان دریافت که پیامبر (ص) روش تفسیر آیه به آیه را پایه گذاری کرده است.

### ۳-۶- توضیح مفاهیم شرعی

در قرآن واژه‌هایی یافت می‌شود که در فرهنگ قرآن، معنایی تازه پیدا کرده‌اند و توضیح و تفسیر آنها جز از راه سنت فراهم نیست. یکی از پژوهشگران دیگر در این زمینه گفته است: در برخی آیات، تعابیر و الفاظ پیچیده‌ای به نظر می‌رسید که حتی زبان‌شناسان کارآمد تازی، مفاهیم و مقاصد آنها را درست درک نمی‌کردند؛ لذا احساس می‌کردند که این گونه تعابیر و الفاظ به تفسیر و شرح و توضیح نیاز دارد؛ برخی واژه‌ها چون «السائحون» به معنای روزه‌داران یا مفهوم «استطاعت» که در فرهنگ قرآنی در مورد حج به کار رفته و به معنای زاد و توشه و مرکب لازم برای مسافرت حج تفسیر شده است، شاهدی است در این زمینه (سیوطی، ج ۳: ۲۸ و عروسی حویزی، ج ۲: ۲۷۱ و طبرسی، ج ۴: ۱۶).

نمونه دیگر تفسیر پیامبر (ص) از کلمه «عضین» در آیه «كما انزلنا علی المقتسمین الذین جعلوا القرآن عضین» به معنای ایمان به برخی آیات و کفر به برخی دیگر از آیات قرآن است. در فرهنگ قرآن، این کلمه با توجه به تفسیر پیامبر (ص) معنای خاصی یافته است (سیدقطب، ۱۴۰۰، ج ۴: ۲۱۵۵) در حالی که «عضین» در معنای کلی آن یعنی متفرق ساختن و عضو عضو کردن است. در این زمینه می‌توان معنای واژه‌های ذیل را در تفسیر پیامبر به عنوان شواهدی دیگر تلقی کرد: «باسقات» در آیه «والنخل باسقات لها طلع نضید» (ق/۱۰) به معنای بلندی و طول نخل؛ واژه

«محسورا» یعنی «اقتار» به معنای تنگ گرفتن و در نفقه سخت گرفتن و ندادن یا کم دادن آن است (عیاشی، ج ۲: ۲۸۹ و حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲: ۴۶۴).

### ۷- حجیت تفسیر پیامبر

بر اساس آیه ۴۴ و ۶۴ سوره نحل، تبیین استوار قرآن بر عهدہ پیامبر است. در آیه ۶۴ بویژه خداوند به پیامبر تصریح کرده است که «این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند برای آنان توضیح دهی و (آن) برای مردمی که ایمان می‌آورند، رهنمود و رحمتی است». بدین سان اگر سخنی از پیامبر (ص) در مورد تفسیر قرآن رسیده باشد به شرط قطعیت و استواری آن بر مبنای معیارهای شناخت حدیث، کمترین تردیدی در پذیرش آن وجود نخواهد داشت. زیرا ایشان حامل وحی و آگاه بر ابعاد و محتوای آن بود. قرطبی در جایی وقتی می‌خواهد سخن پیامبر (ص) را که فرموده است: آگاه باشید خداوند به من قرآن و همانندش را عطا کرد، تفسیر کند، گفته است: خداوند به پیامبر (ص) کتابی داد تا آن را تلاوت کند؛ نیز به او بیان و شرحی همانند قرآن عطا کرد تا حقایق کتاب او را تبیین کند... شرح و بیان پیامبر از آیات در وجوب عمل، همانند آیات تلاوت شده است (قرطبی، ۱۴۱۶، ج ۱، مقدمه).

مفسری دیگر در اهمیت تفسیر پیامبر و حجیت آن، بیان پیامبر در تفسیر آیه را بر هر دیدگاه تفسیری دیگر مقدم می‌داند و تصریح می‌کند مخالفت با آن (تفسیر پیامبر (ص)) در صورتی که صدور آن قطعی باشد به هیچ روی جایز نیست.

هر دو گروه اهل تشیع و تسنن بر حجیت سخن پیامبر عقیده دارند بویژه شیعه که ادامه سنت پیامبر را در سنت قولی و فعلی معصومین جاری می‌داند و دلیل آن نیز حجیت سنت پیامبر در معرفت و عمل دینی است. به اعتقاد شیعیان، پیامبر بر حجیت



دینی و علمی اهل بیت خود تصریح کرده و تمسک به آنان را لازم شمرده است. از این روست که رجوع نکردن به احادیث پیامبر و اهل بیت، که بیان تفصیلی کلیات آیات قرآن است، نوعی تفسیر به رأی به شمار می‌رود. فهم این معنا و مراجعه به احادیث معصومین در گرو توجه ژرف نگرانه به مفهوم حجیت گفته های پیامبر است.

#### ۸- جمع‌بندی و حاصل سخن

در زمان رسول خدا، قرآن کریم به طرز بسیار ساده که در خور فهم همگان بود، تفسیر می شد. آن حضرت برای صحابی خاص خود، چون علی(ع) که شرایط و زمینه های لازم را برای فهم مراد الهی داشت، تمام قرآن را تفسیر کرد. عدم تفسیر قرآن برای همه صحابیان را می توان به تفاوت و درجات متفاوت فهم آنان معطوف دانست. حجیت تفسیر پیامبر(ص) به شرط احراز آن از طریق معیارهای صحیح حدیث‌شناسی برای همه مسلمانان مسلم است.

#### منابع

قرآن و نهج البلاغه

- ابن تیمیه، تقی‌الدین. *مقدمه فسی اصول التفسیر*. بیروت، دارمکتبه الحیاه (بی تا).  
 احمدین حنبل، السنن (۱۹۹۳). *تحقیق شعیب الارنؤوط*. بیروت: مؤسسه الرساله.  
 آلوسی، محمود (۱۴۰۵). *روح المعانی*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.  
 بابایی، علی‌اکبر (۱۳۸۱). *مکاتب تفسیری*. انتشارات سمت، تهران.  
 بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰). *صحیح البخاری*. دمشق.  
 ترمذی، محمد بن عیسی. *سنن الترمذی*. (بی جا) دارالفکر (بی تا).  
 حاکم نیشابوری (۱۴۱۱). *المستدرک علی الصحیحین*. تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت.  
 حجتی، محمدباقر (۱۳۶۰). *سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو*. تهران: انتشارات بنیاد قرآن.  
 حسکانی، عبید الله بن عبدالله (۱۹۹۰). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. چاپ محمدباقر محمودی، تهران.  
 حسینی جلالی، محمدرضا (۱۴۱۸). *تدوین السنه الشریفه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.  
 حکیم، محمدباقر (۱۴۰۳). *علوم القرآن*. تهران: مجمع علمی الاسلامی.  
 خوئی، ابوالقاسم (۱۴۰۱هـ). *البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات دارالزهراء.  
*دانشنامه جهان اسلام*. مدخل تفسیر، زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: ۱۳۸۲.  
 ذهبی، محمدحسین. *التفسیر و المفسرون*. بی تا، بی جا.  
 رازی، امام فخر (۱۴۱۵/۱۹۹۵). *التفسیر الکبیر*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.  
 رامیار، محمود (۱۳۸۰ش). *تاریخ قرآن*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.  
 زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). *الکشاف*. بیروت: دارالکتب العربی.  
 سیدقطب (۱۴۰۰). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.  
 سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۱۸). *الاتقان فی علوم القرآن*. چاپ ابوالفضل ابراهیم، مکتبه العصریه، صیدا، بیروت.  
 سیوطی، جلال‌الدین. *الدرالمثور فی التفسیر بالمأثور*. بیروت: دارالکتب العلمیه.  
 طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.  
 طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). *مجمع البیان*. تصحیح هاشم رسولی محلاتی. بیروت: دارالمعرفه.  
 طوسی، محمدحسن. *التبیان فی تفسیر القرآن*. چاپ احمد حبیب فصری عاملی، بیروت: (بی تا).  
 عبدالنیر (۱۳۱۹). *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*. حیدرآباد.  
 عروسی حدیزی، عبدعلی. *نورالقلین*. مطبعه العلمیه، قم: بی تا.  
 عیاشی، محمد بن مسعود. *تفسیر العیاشی یا التفسیره*. تهران: مکتبه علمیه اسلامیه (بی تا).  
 فاضل مقداد، جمال‌الدین بن عبدالله سیوری (۱۳۴۳). *کنزالعرفان فی فقه القرآن*. مکتبه المرتضویه.

- فاسمی، جمال الدین، محمدبن محمد، محاسن التاویل، بیروت: داراحیاء التراث، تحقیق محمد فواد عبدالباقی.  
قرطبی، محمدبن احمد (۱۴۱۶). الجامع لاحکام القرآن، تصحیح هشام سمیر بخاری، بیروت.  
کاظمی، جواد. مسالک الافهام الی آیات الاحکام، تحقیق محمدباقر شریف، تهران: مکتبه المرتضویه (بی تا).  
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸هـ). الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
معرفت، محمدهادی (۱۴۱۸). التفسیر و المفسرون فی ثوبه الشیب، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.  
مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۲). آفاق تفسیر، تهران: انتشارات هستی نما.  
میلدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۶۱). کشف الاسرار وعده الابرار، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران:  
امیرکبیر.  
نقیسی، شادی (۱۳۸۴). طباطبایی و حدیث، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

